

گزارش دو

بررسی تحریم اسرائیل در شورای اتحادیه اروپا

گروه خبر: کمیسیون اروپا، بسته تحریم اسرائیل را به شورای اتحادیه اروپا ارائه کرد؛ بسته‌ای که شامل حذف تعرفه‌های ترجیحی کالا‌های وارداتی از اسرائیل، تعلیق کمک‌های مالی سالانه از ۲۰۲۵ تا ۲۰۲۷، چهار سند حقوقی و فهرست تحریم ۹ وزیر کابینه نتانیا‌هو و شهرکنشینان افراطی در چارچوب رژیم جهانی تحریم‌های حقوق بشری اتحادیه اروپاست. در صورتی که شورای اتحادیه اروپا این بسته تحریمی را تصویب کند، لازم‌الاجرا خواهد بود. تعدادی از مقامات حماس نیز در این طرح تحت تحریم قرار می‌گیرند. دو وزیر مورد اشاره در این طرح، بتزال اسموتیچ، وزیر دارایی و ایتمار بن‌گور، وزیر امنیت داخلی رژیم اسرائیل هستند.

رویدادهای هولناک غزه باید متوقف شود

با ادامه کشتار در غزه، انتقادهای نسبت به اسرائیل در میان دولت‌ها و ملت‌های اروپایی بیشتر شده است. به نحوی که حتی برخی حامیان سنتی اسرائیل در اروپا، موضوع به رسمیت شناختن فلسطین را در پاسخ این اقدامات در دستور کار قرار دادند. تظاهرات مردم کشورهای مختلف اروپا در حمایت از مردم فلسطین ادامه دارد. روز سه‌شنبه نیز کمیسیون تحقیق سازمان ملل متحد اعلام کرد اسرائیل در غزه مرتکب نسل‌کشی شده است. اما با تمام این انتقادات، اعلام نظر‌ها و اقدامات منفرد کشورها، امکان دارد که این تحریم اروپایی به نتیجه نرسد چراکه تصویب آن در شورای اتحادیه اروپا نیازمند حمایت کشورهای بزرگ مانند آلمان و ایتالیا است. آلمان همچنان به صورت تمام‌قد از اسرائیل حمایت می‌کند و این موضوع مورد توجه رسانه‌های خارجی نیز قرار گرفته است.

اورسولا فون‌درلاین، رئیس کمیسیون اروپا درباره این بسته تحریمی گفت: «رویدادهای هولناکی که هر روز در غزه رخ می‌دهد باید متوقف شود. آتش‌بس فوری، دسترسی بدون محدودیت به کمک‌های بشردوستانه و آزادی تمامی گروگان‌ها ضروری است. اتحادیه اروپا به‌عنوان بزرگترین کمک‌کننده انسانی و حامی قاطع راه‌حل دودولتی، اکنون تعلیق امتیازات تجاری با اسرائیل، تحریم وزیران افراطی و شهرکنشینان خشونت‌طلب و توقف حمایت‌های دوجانبه را پیشنهاد می‌کند.»

آنتور که از اظهارات رسانه‌ها و مقامات سیاسی اروپا بر می‌آید، در حال حاضر نگرانی زیادی درباره جلوگیری آلمان از اقدامات اتحادیه علیه اسرائیل وجود دارد. تاکنون آلمان و ایتالیا تمام طرح‌های مطرح‌شده در اتحادیه اروپا علیه اسرائیل را مسدود کردند. کایا کالاس، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا روز سه‌شنبه در گفت‌وگویی با یورونیوز در این باره گفت: «اگر کشورهایی که پیشرفت اقدامات را مسدود می‌کنند با طرح موجود موافق نیستند، جایگزین‌هایی ارائه دهند، خصوصاً اگر آنها وضعیت موجود در غزه را غیرقابل تحمل می‌دانند.»

به رسمیت شناختن کشور فلسطین

کشورهای اروپایی طی ماه‌های گذشته، اقداماتی منفرد و محدود علیه اسرائیل انجام دادند. از جمله آخرین اقدامات، لغو قرارداد نظامی ۷۰۰ میلیون یورویی میان اسپانیا و اسرائیل از سوی مادرید بود. با اینکه در خردادماه امسال، پنج کشور غربی نروژ، انگلستان، نیوزیلند، کانادا و استرالیا تحریم‌هایی علیه دو وزیر افراطی اسرائیل اعمال کردند. برخی شهرکنشینان و دو نهاد شهرسازی نیز پیش از این تحت تحریم اتحادیه اروپا قرار گرفتند و آمریکا نیز در سپتامبر ۲۰۲۴، چند شهرکنشین را تحریم کرد. با ادامه پیدا کردن فاجعه انسانی در غزه، فعلاً موضوع به رسمیت شناختن فلسطین را مطرح کرده‌اند. قلعن‌نامه اخیر مجمع عمومی سازمان ملل معروف به بیانیه نیویورک که مبتنی بر تأکید کشورهای موافق آن بر راه‌حل دودولتی بود نیز با پشتیبانی فرانسه و عربستان مطرح شد و به تصویب رسید. فرانسه و بلژیک دو کشوری هستند که در مجمع عمومی پیش رو، به رسمیت شناختن کشور فلسطین را اعلام خواهند کرد. پیش از این کشورهایی مانند نروژ، اسپانیا و جمهوری ایرلند فلسطین را به رسمیت شناختند.

فشار برای بایکوت اسرائیل

همانطور که برخی مقامات اروپایی همچنان از اسرائیل حمایتی تمام‌قد یا نسبی می‌کنند، برخی از آنان نیز تیغ نقدشان نسبت به تل‌آویو تیز شده است. اخیراً مایکل دی هیگینز، رئیس‌جمهور ایرلند خواستار این شد اسرائیل و کشورهایی که آن را به سلاح مجهز می‌کنند، باید از سازمان ملل اخراج شوند. دولت اسپانیا نیز خواستار ممنوعیت شرکت ورزشکاران اسرائیلی در رویدادهای بین‌المللی شده است. مانند اتفاقی که برای ورزشکاران روس بعد از جنگ اوکراین رخ داد. مطالبه بایکوت اسرائیل در حوزه‌های مختلف و افزایش فشار بر آن‌ها برای پایان دادن به کشتار در غزه، از سوی مردم کشورهای اروپایی و برخی سیاستمداران در کشورهای مانند اسپانیا طرح و پیگیری می‌شود. اخیراً مرحله نهایی مسابقات دوچرخه‌سواری اسپانیا به خاطر حضور یک تیم اسرائیلی و بروز اعتراضات گسترده، لغو شد.

طبق قانون منسوخ است اما وثیقه‌شان را آزاد نمی‌کنند و هرازگاهی با احضار و تهدید به مصادره وثیقه آنها را در سنین بالا مورد آزار قرار می‌دهند و عجیب آن است که در طول این سال‌ها مکرر برای رؤسای قوه قضائیه و رؤسای جمهور نامه نوشته‌اند و هیچگاه به تظلم‌شان رسیدگی نشده است.»

او افزود: «سلاک دیگری که در سخنان معاون قضایی قوه قضائیه هم مطرح شده بود و ملاک ارزشمند و مهمی است آن است که محکومانی که در جنگ تحمیلی اخیر در جهت مقابله با دشمنان و همسو با انسجام داخلی موضع‌گیری داشته‌اند مشمول عفو یا تخفیف قرار می‌گیرند که نه تنها محکومان به حبس از متهمان اعتراضات ۱۴۰۱ مانند مهدی محمدی که در حال گذراندن محکومیت ۱۰ ساله خود در تبعید در زندان کرمان است و یا قهر حسنیوها و همچنین محکومان بعد از ۱۴۰۱، بلکه حتی شامل بعضی محکومان به اعدام در جرایم سیاسی و امنیتی هم می‌شود. به طور مشخص خانم شریفه محمدی و پخشان عزیزی و وریشه مرادی که با اتهام امنیتی محکوم به اعدام شده‌اند چون در بخشنامه عفو آمده است که محکومان به اعدام شامل یک درجه تخفیف می‌شوند با همین ملاک و با توجه به مواضع صریح آنان علیه تجاوز جنایتکارانه آمریکا و اسرائیل قاعداً مشمول تخفیف خواهند شد و حکم اعدام به حبس سنگین بدل می‌شود.»

باقی در پاسخ به این سوال که عفو معیاری اثرگذارتر است یا عفوهای عمومی مانند سال ۱۴۰۱؟ گفت: «اصطلاح عفو عمومی دارای بار معنایی خاص شده و نوعی جنبه تبلیغی دارد و در جوامع مختلف مطرح بوده و به این دلیل به عنوان یک امر عمومی مورد استفاده قرار می‌گیرد که فقط شامل زندانیان نیست ولی آن بخشی که در مورد زندانیان هست هم نمی‌تواند علی‌الاطلاق باشد زیرا آزادی بعضی از زندانیان جرایم خطرناک ظلم به جامعه و خلاف مصالح عمومی و حتی قواعد حقوق بشری است. بنابراین عفو عمومی در آن بخش که مربوط به زندانیانی می‌شود قاعداً باید بر اساس معیارها و شاخص‌هایی باشد که نوعی تفکیک و تمایز میان زندانیان خطرناک و دیگران صورت بگیرد.»

زندانیان سیاسی شاخص محروم از عفو

علی مجتهدزاده، حقوقدان و وکیل دادگستری با اشاره به اینکه عفو کلاً اقدامی مثبت تلقی می‌شود، درباره درخواست احزاب سیاسی برای آزادی زندانیان سیاسی و امنیتی به هم‌میهن گفت: «اقدام ارفاق‌آمیزی که باعث آزادی حتی یک زندانی شود باعث خوشحالی است. پس باید این عفو اخیر را به فال نیک گرفت. اقدام قوه قضائیه به‌ویژه در این عفو گسترده‌تر از همیشه بود و با توجه به اینکه آقای رئیس‌جمهور و رئیس قوه قضائیه شعار «وفاق» را مطرح می‌کنند، در راستای ایجاد اتحاد و انسجام در جامعه، ممکن است در این بحث نگاه گروه‌های سیاسی لحاظ شده باشد. یعنی دستگاه قضایی علاوه بر بحث قضایی و حقوقی یک عقلانیتی هم در این موضوع لحاظ کرده است. به نظر می‌رسد درخواست گروه‌های سیاسی در این عفو بی‌تأثیر نبوده و صداهاتحادی از سوی قوه قضائیه شنیده شده است.»

او در پاسخ به این سوال که آیا عفوهای معیاری تأثیرگذاری بیشتری دارد یا عفوهای عمومی مانند ۱۴۰۱؟ تأکید کرد: «هر دو عفو تأثیر خود را دارد. اما عفو معیاری با قانون منطبق‌تر است. اما عفو ۱۴۰۱ نیز بسیار خوب بود. حتی من امید نداشتم که آقای اژه‌ای در آن عفو موفق شود به‌ویژه در پرونده متهمانی که هنوز رأی آنها هم صادر نشده بود. عفو طبق قانون ضوابط خاص خود را دارد. هر چند با در نظر گرفتن روح حاکم بر فلسفه عفو می‌توان دایره افراد مشمول را بیشتر کرد. از نظر قانونی عفو ۱۴۰۱ می‌شد که اعمال و اجرا نشود، اما خوشبختانه آقایان با در نظر گرفتن ذات عفو حتی آن را به محکومانی که هنوز احکام قطعی نداشتند هم تسری دادند. بنابراین عفو ۱۴۰۱ از این منظر بسیار خوب و تأثیرگذار بود و علاوه بر محکومان بسیار، حتی حاکمیت را هم البته از گرفتاری نجات داد. چون برای اولین بار بود که از تمام افکار از پزشک و کاسب گرفته تا کارمند... بازداشت شده بودند. بنابراین با آن شرایط اصلاً نمی‌شد ادامه داد به همین دلیل عفو ۱۴۰۱ برای جامعه مثبت بود و عقلانیت در آن عفو احساس می‌شد. این وکیل دادگستری با اشاره به عفو معیاری تأکید کرد: «این عفو هم تأثیرات خود را دارد و نگاه آن به اشخاص نیست، بلکه به کلیه متهمان توجه داشته است و مشمول نه تنها متهمان سیاسی بلکه متهمان عادی، جرائم مواد مخدر... می‌شود. از این منظر من کارنامه آقای اژه‌ای را در بحث عفو در واقع مثبت‌تر از رؤسای قوه قلمی می‌بینم. در کنار روحانیت که آقای اژه‌ای دارد، اطرافیان‌ش هم جامعه‌رأمی شناسند و از عقلانی قوم هستند. من خبر موفق دارم که در بسیاری از مواقع این عفو‌ها با کارشناسی یا مخالفت‌های جدی هم روبه‌رو می‌شود اما دستگاه قضایی از موضع خود کوتاه نیامد و عفو ۱۴۰۱ و این عفو معیاری اخیر، حاکی از آن است که اژه‌ای هم نگاه خاص و مثبتی به عفو دارد.»

او درباره شرط ۵ سال گذشتن از حکم قطعی برای عفو افراد، گفت: «عفو ۱۴۰۱ صرف زندانیان سیاسی بود اما عفو معیاری اخیر با آن فرق دارد و مخصوص زندانیان سیاسی نیست. بنابراین ضوابطی برای آن در نظر می‌گیرند. عفو معیاری (اخیر) شاخصه‌های دیگری همچون سن را در نظر گرفته است. کسانی بودند که در حال تحمل کیفر بودند اگر معیارهای دیگر را داشتند مشمول عفو می‌شدند.»

مجتهدزاده در پاسخ به این سوال که با وجود شرط «از زمان قطعیت دادنامه تاکنون فاقد هرگونه موضع‌گیری مخالف مصالح کشور و اقدام ضدامنیتی نگرفته باشند» زندانیان امنیتی و سیاسی آزاد می‌شوند؟ تأکید کرد: «به نظر من اصل بر این بوده که عفو نسبت به همه اعمال شود اما یکسری مشمول عفو نشوند. در حقیقت می‌خواستند افراد شناسنامه‌دار و شناخته‌شده مشمول عفو شوند، چرا که این افراد از زندان بیانیه می‌دهند. برای اینکه این افراد در لیست قرار نگیرند بالاخره نظر ضابطان را هم گرفته‌اند. عفو معیاری کنونی شاید یکی، دو نقطه منفی داشته باشد اما نقاط مثبت زیادی دارد. عفو شاخص‌ترین زندانیانی که اقدامات مسالمت‌آمیز داشتند و دارای پایگاه اجتماعی هستند، تأثیر بسیار مهمی در ایجاد آشتی ملی بین حاکمیت و گروه‌های اجتماعی و احزاب سیاسی دارد. اما آنها از این عفو مستثنی شدند که از نکات منفی این عفو است. بنابراین این افراد شاخص باید مشمول عفو می‌شدند و محرومیت شاخص‌ترین زندانیان سیاسی از این عفو بدسلهقی بود. وقتی جامعه به این نحو از عفو استقبال می‌کند یعنی آزادی آنها نیاز است و برای جامعه مهم و مفید است. اما این آراش تنها با عفو اتفاق نمی‌افتد بلکه باید در جاهای بسیار دیگری تغییراتی ایجاد شود. در عفو شرط لازم است اما شرط کافی نیست و باید در بسیاری از جاها روبه‌های اشتباه اصلاح و آزادی‌های مدنی به رسمیت شناخته شود.»

سمفونی خطوط

جواد علیزاده



به دلیل تورم و گرانی، قدرت خرید طبقه متوسط کاهش یافته و این طبقه در حال ناپدید شدن است



نگاه کارشناس

امنیت منطقه‌ای در برابر تهدید منطقه‌ای

درباره دو چهره یک روز در خاور میانه

علی آهنگر

نویسنده و پژوهشگر تاریخ



روز سه‌شنبه ۱۸ شهریور ۱۴۰۴، خاور میانه میان صلح و جنگ در نوسان بود. در خرداد همان‌زمان که همچون دو تصویر موازی، واقعیت پیچیده این منطقه را عریان ساختند. در قاهره، ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی پس از جنگ یک‌روزه آمریکا و اسرائیل علیه ایران، به توافق رسیدند؛ توافقی که می‌توان آن را معیار و شیوه‌نامه‌ای برای «صلح پس از جنگ» نامید. اما در همان روز، تنها چند صد کیلومتر دورتر، اسرائیل با حمله به قطر شعله‌های جنگی تازه را برافروخت. این تقارن عجیب بار دیگر نشان داد که خاور میانه همیشه میان صلحی لرزان و جنگی شعله‌ور در نوسان است. توافقی ایران و آژانس در قاهره صرفاً یک سند فنی نبود. آنچه در قاهره رخ داد، بیش از همه جنبه نمادین داشت: ایران می‌خواست نشان دهد که حتی پس از جنگی بره‌زنه و تحمیلی، هنوز ظرفیت بازگشت به مسیر گفت‌وگو و دیپلماسی را دارد. جامعه جهانی با این توافق دریافت که تنها از طریق دیپلماسی می‌توان ایران را به بازگیری متعهد و فعال در منطقه تبدیل کرد نه از راه جنگ یا فشارهایی مانند مکانیسم ماشه. صلح قاهره در واقع آزمونی برای ایران هم بود تا از تصویر «کشور درگیر در جنگ» فاصله بگیرد و به جای آن خود را به عنوان «بازگر عقلانی» معرفی کند. در سیاست بین‌الملل، همین تغییر تصویر است که می‌تواند زمینه‌ساز روابط تازه و حتی بازتعریف موازنه‌ها شود. اما همان روز اسرائیل معادله را برهم زد. حمله اسرائیل به قطر حامل پیام روشنی بود: هر صلحی در خاور میانه مخالف آرمان تجاوزطلبانه «اسرائیل بزرگ» است. اگر زمانی این یک آرزوی پنهانی بود، امروز با اقدام‌های ترامپ و سران اسرائیل به هدفی راهبردی و آشکار تبدیل شده است. حمله اسرائیل به قطر نشان داد که حتی در لحظه‌ای که منطقه در حال تنفس از یک جنگ کوتاه است، می‌تواند جبهه‌ای تازه بگشاید و آتش دیگری برافروزد. حمله به قطر تنها یک اقدام نظامی نبود؛ بلکه تلاشی برای تحمیل شیوه‌نامه‌ای امنیتی اسرائیل در طرح «اسرائیل بزرگ» و تغییر نقشه خاور میانه است. در این طرح، اسرائیل با پشتوانه روشن و آشکار آمریکا، علاوه بر گسترش سرزمینی، به منابع و میادین نفت و گاز کشورهای منطقه نیز چشمداشت خاص دارد. این حمله پیامی روشن به کشورهای عربی حوزه خلیج فارس و خاور میانه داشت: تا‌دها و پاتریوت‌ها از شما دفاع نخواهند کرد.

۱۸ شهریور ۱۴۰۴ نماد تضاد ذاتی خاور میانه بود. قاهره صحنه امضای توافق و پیوندهای دیپلماتیک و دوحه صحنه دود، انفجار و آغاز جنگی تازه بود. این دو تصویر متضاد در کنار هم، پرسش بزرگ‌تری را پیش می‌کشند:

شیوه‌نامه‌ی صلح در خاور میانه چیست؟ آیا صلح فقط به معنای امضای توافقی کوتاه‌مدت است، یا آن که باید ریشه در اراده‌ای جمعی برای مهار خشونت و بازتعریف نظم منطقه‌ای داشته باشد؟ صلح قاهره اگر چه دستاوردی مهم بود، اما در برابر حمله اسرائیل به قطر بلافاصله شکننده و لرزان به نظر رسید. همین امر نشان می‌دهد که معیار صلح در خاور میانه را نمی‌توان در «توافق‌های دوجانبه» یا «بیانیه‌های رسمی» جست‌وجو کرد. صلح در این منطقه زمانی واقعی خواهد بود که با مهار یک‌جانبه‌گرایی نظامی و بازتعریف امنیت جمعی همراه شود. «مهار یک‌جانبه‌گرایی نظامی» باید به گونه‌ای باشد که هیچ کشوری نتواند با یک حمله نظامی کل روند‌های دیپلماتیک منطقه را از هم بگسلاند. در «بازتعریف امنیت جمعی»، کشورهای منطقه و به‌ویژه حوزه خلیج فارس اکنون باید به‌روشنی دریافته باشند که امنیت آنها در گرو پایگاه‌هایی نیست که به ارتش آمریکا داده‌اند. آنها در موقع لزوم پدافندهای خود را خاموش می‌کنند و هیچ موشک بازدارنده‌ای به سوی هواپیماهای متجاوز شلیک نخواهد شد. در واقع، پاتریوت‌های استقراریافته در کشورهای حوزه خلیج فارس هیچگاه قرار نیست به سمت ۲۵۵‌های شلیک کنند که برای زدن اهدافی در همین کشورها به پرواز درآمده‌اند. بنابراین، در برابر نقشه اسرائیل بزرگ، کشورهای خاور میانه باید طرح تازه‌ای از امنیت منطقه‌ای تعریف کنند. کشورهای عربستان، ایران، ترکیه، مصر، عراق، کویت، امارات، قطر و سایرین باید با تفاهم و درک مشترک، پایه‌های همکاری و امنیت مشترک و پایدار منطقه‌ای را در برابر تهدید مشترک در دستور کار سریع خود قرار دهند. سازمان کشورهای صادرکننده نفت اوپک، ال‌گویی باارزش برای در پیش گرفتن این راهبرد است. دهم تا چهاردهم سپتامبر هر سال یادآور تشکیل سازمان اوپک است که توانست منافع اقتصادی ضعیف‌ترین و بی‌دفاع‌ترین کشورهای دارای نفت را برای مدت ۶۵ سال در برابر غول‌های صنعت و اقتصاد جهان تضمین کند. اکنون که نوبت امنیت است، باید از همان شیوه اوپک درس آموخت. کشورهای منطقه خلیج فارس و خاور میانه باید با تشکیل سازمانی مانند اوپک، این بار برای تضمین امنیت و جغرافیای سیاسی خود همت بگذارند. روزی که قاهره صلح نوشت و دوحه در آتش سوخت، به ما یادآوری کرد که خاور میانه همیشه دو چهره دارد. هیچ پیروزی دیپلماتیکی در این منطقه مطمئن و پایدار نیست مگر آنکه ساختارهای امنیتی و سیاسی آن دگرگون شوند. معیار صلح در خاور میانه نه صرفاً توافق ایران و آژانس، و نه حتی پایان یک جنگ کوتاه است؛ معیار واقعی صلح، توانایی این منطقه در ایجاد امنیت و نظم جمعی و پایدار است. تا آن زمان، خاور میانه همچنان میان آتش جنگ و صلح لرزان سرگردان خواهد ماند. کشورهای خاور میانه باید با درس از اوپک، سازمانی برای امنیت جمعی بسازند تا از چرخه جنگ‌های بی‌پایان و یک تهدید آشکار منطقه‌ای در امان بمانند.